

فلسفه انجمنهای علمی

حمیدرضا آراسته

چکیده

این مقاله به بررسی فلسفه انجمنهای علمی می‌پردازد. انجمنهای علمی نقش فزاینده‌ای را در حمایت از دانش‌پژوهی و متخصصان ایفا کرده‌اند. یک نهاد علمی زمانی به طور اثربخش اداره می‌شود که از استقلال مناسبی برخوردار باشد. همچنین، با بهره‌مندی صاحب‌نظران از آزادی علمی و مشارکت آنها در امور دانشگاه است که با ارزش‌ترین اندیشه‌ها به منصفه ظهور می‌رسد. اما نفوذ سیاست‌های دیوانسالاری دولتی به آموزش عالی، استقلال دانشگاهی، آزادی علمی و تصمیم‌گیری جمعی را محدود کرد. این موضوع منجر به سوق دادن برخی از فعالیتهای تخصصی به درون انجمنهای علمی گردید. اگرچه این نهادها در اشکال، اهداف، اندازه، کارکرد و ذینفعان دارای تفاوت‌های بسیاری هستند، اما رسالت آنها در بازآموزی، ارتباطات علمی، پژوهش و مشاوره خلاصه می‌شود.

کلید واژه

انجمنهای علمی، استقلال، آزادی علمی، مشارکت، بازآموزی، پژوهش و مشاوره

مقدمه

جوامع مدنی همواره بر آن بوده‌اند که نهادهایی را برای کسب و انتقال دانش ایجاد کنند. در این میان، انجمنهای علمی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. در قرن هجدهم، بسیاری از نشریات علمی را انجمنهای علمی منتشر می‌کردند و هم اکنون نیز اکثر مجلات علمی و معتبر جهان را این نهادها منتشر می‌کنند.

انجمنهای علمی زمانی ایجاد شدند که متخصصان به لزوم تقویت دانش تخصصی و ارتباط فکری بیشتر با هم حرفه‌ای‌هایشان پی بردند. به نظر می‌رسد زمینه پیدایش و علل

تأسیس انجمنهای علمی به دانشگاهها شباهت داشته باشد. در ابتدا متخصصان، جمعیت‌هایی (unions) را به منظور آموزش، همفکری با همکاران و انجام سایر فعالیتهای علمی تأسیس کردند. کلمه "University" نیز از نام همین جمعیتها مشتق شده است. سپس دانشکده‌هایی بر اساس رشته‌های گوناگون از قبیل پزشکی، هنر، الهیات و حقوق ایجاد شد. رشد و توسعه آموزشها، پیچیدگی و افزایش زیرسیستم‌های دانشگاهی را به همراه داشت. این پیچیدگیها و افزایش تخصصها، بستری را برای ایجاد گروههای آموزشی فراهم کرد. این فرآیند باعث تقویت اجتماعات تخصصی در قالب گروههای آموزشی گردید.

دو فلسفه متفاوت به آموزش عالی مشروعیت می‌بخشد: ۱- معرفت‌شناسی^۱ و ۲- فعالیتهای مدنی و اجتماعی سیاسی [۱]. بر اساس فلسفه معرفت‌شناسی، دانشجویان باید با کاوش و کنجکاوی خود بکوشند تا جهان را بهتر بشناسند. فلسفه دیگر، برشناسایی نیازهای جامعه تکیه دارد و مراکز آموزش عالی باید بیش از آنکه به شناخت جهان بپردازند به حل معضلات اجتماعی توجه داشته باشند [۲]. از یک سو، گروههای آموزشی به منظور انجام وظیفه بر مبنای قضاوتهای تخصصی و خرد جمعی، بیش از هر چیز به استقلال فکری و سازمانی نیاز داشتند، و از سوی دیگر، دانشگاههای دولتی و خصوصی برای پاسخگویی به نیازهای جامعه، فلسفه مدنی و اجتماعی را برگزیدند و جایگاه فلسفه معرفت‌شناختی در دانشگاهها کم رنگ شد. هم اکنون فلسفه مدنی و اجتماعی، فلسفه اصلی

انجمن «آموزش عالی» ایران

نشانی: تهران، خیابان آفریقا، کوچه گلغام، شماره ۱

E-mail: hrarasteh@irphe.ir

تلفن و دورنگار: ۶۴۰۶۹۴۰



آزادی علمی

آزادی علمی، یکی از اصول اساسی برای پشتیبانی و پاسداری از فعالیتهای آموزشی و پژوهشی اعضای هیأت علمی و دانشمندان به شمار می‌آید. این اصل، شامل تبادل آزادانه اندیشه‌ها و نظریه‌ها در کلاس درس، اجرای آزادانه امور پژوهشی و انتشار نتایج حاصل از آن، اظهار نظر تخصصی درباره موضوعات علمی، برخورداری از حقوق شهروندی و نظریه‌پردازی دقیق درباره موضوعات بحث‌انگیز می‌شود. بنابراین، اعضای هیأت علمی، در مقام یک شهروند، باید از حقوق شهروندی در یک جامعه مدنی برخوردار باشند و دانشگاه نیز باید به این حقوق احترام بگذارد. اعضای هیأت علمی همچنین باید با پایبندی به معیارهای حرفه‌ای و رعایت اصول علمی و اخلاقی به آموزش و پژوهش بپردازند و احترام به دیدگاهها و نظریه‌های همکاران، دانشجویان، مدیران و به طور کلی جامعه دانشگاهی را به عنوان یک راهبرد اصولی در انجام فعالیتهای خود قرار دهند [۳].

آموزش عالی در کشورهای مختلف محسوب می‌شود. اگرچه انتخاب این فلسفه ارتباط با جامعه را تقویت کرد و خدمات اجتماعی دانشگاهها را گسترش داد، اما استقلال و یکپارچگی این سازمانها بیش از پیش تهدید شد. گروههای آموزشی از فعالیتهای قدرتهای سیاسی داخل و خارج دانشگاه و سیاستهای تعصب‌آمیز و تعدی به استقلال اعضای هیأت علمی و متخصصان رنج می‌بردند. برای اینکه اعضای هیأت علمی و متخصصان بتوانند به دور از فشارهای سیاسی با ایجاد ارتباط و همکاریهای فکری به امور تخصصی بپردازند و استقلال علمی خود را حفظ کنند، انجمنهای علمی را تأسیس کردند. کلمه "association" برگرفته از کلمه "associate" (ارتباط فکری و همکاری) است.

دانش و فرهنگ علمی حاکم بر جوامع دانشگاهی و رشته‌های تخصصی، نیازمند کنترل داخلی، حرمت نهادن به متخصصان و سپردن امور تخصصی به آنهاست. این موضوع، خوداتکایی، استقلال و نظم فکری را افزایش می‌دهد. به طور کلی اعضای هیأت علمی، شیوه زندگی و حرفه خود را بر اساس اهداف و مقاصد اصیل و شرافتمندانه و تعهدات اخلاقی طراحی می‌کنند؛ اما حفظ استقلال فکری و نهادهای علمی‌ای که در آن کار می‌کنند، در برابر کلیه نیروهای مهاجم، برایشان از همه چیز مهم‌تر است. هیأت علمی متعهد برای اینکه بتوانند در خدمت بشریت باشند، همواره در برابر تعدی افراد، سازمانها، بروکراتها، مسئولان دانشگاهی، توده‌های مردم و حتی نهادهای تخصصی و نیز دخالت دولت در تصمیم‌گیریهای مجامع علمی مقاومت کرده‌اند. اعتقاد به استقلال فکری، زمینه‌های رشد استقلال علمی و دانشگاهی متخصصان را در کنار پاسخگویی علمی و اخلاقی افزایش داد. متخصصان بر آن شدند که دیدگاهها و نظریات خود را به اشکال گوناگون از جمله انجام طرحهای تحقیقاتی، چاپ کتاب و مقاله، آموزش، شرکت در سمینارها و کارگاههای آموزشی و ارتباط با مجلات تخصصی تحکیم بخشند؛ اما برای انجام این کارها بیش از هر چیز به آزادی علمی، استقلال سازمانی و مشارکت متخصصان نیاز داشتند.

یکی از عمل‌های اساسی انجمنهای علمی، لزوم تصمیم‌گیری و مدیریت مشارکتی است. مشارکت متخصصان در اداره امور در مقام نظر آسان می‌نماید ولی در هر صورت عمل دشوار است. موانع این اقدام اغلب محصول ساختارهای بروکراتیک و گرایش به فردگرایی به جای گروه‌گرایی است. در نظامهایی که با دیوانسالاری دولتی اداره می‌شوند بسیاری از تصمیمات خارج از محیط دانشگاه و بدون مشارکت هیأت علمی گرفته می‌شود.

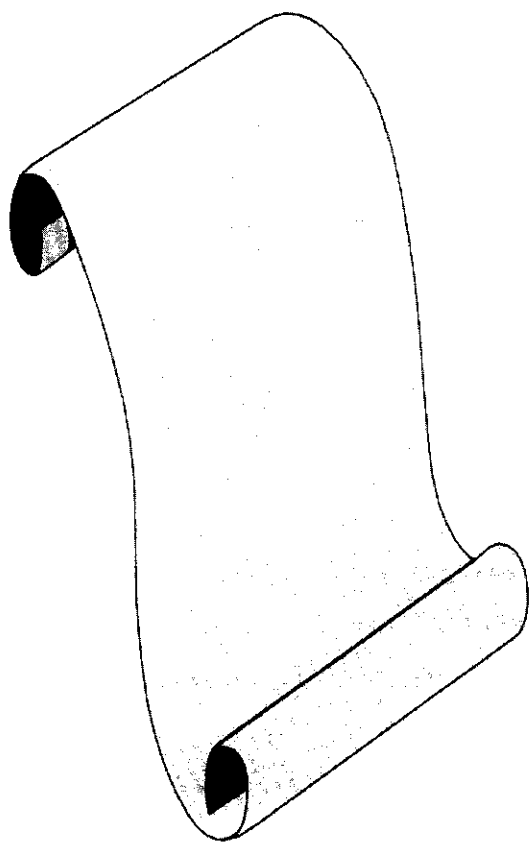
استقلال سازمانی

میزان استقلال نهادهای علمی روی یک طیف قرار می‌گیرد. در بسیاری از مواقع، با افزایش استقلال، مسئولیت‌پذیری نیز افزایش می‌یابد. نبود استقلال و تقویض نکردن مسئولیتها و اختیارات، انزوا و انفعال افراد و سازمانها را در پی دارد و پاسخگویی آنها را کاهش می‌دهد. اعطای استقلال به نهادهای علمی، سیاستی اصولی برای افزایش مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، ایجاد ثبات و ارتقای کیفیت است. برای مثال، تحقیقات نشان می‌دهد که بهترین دانشگاهها، مراکزی بوده‌اند که از لحاظ علمی به طور مستقل عمل کرده‌اند [۶-۴].

گرچه استقلال به معنای تضمین کیفیت نیست، اما کیفیت علمی بدون استقلال کمتر رخ می‌دهد. البته ساختار فرهنگستانها، دانشگاهها، مؤسسات پژوهشی و انجمنهای علمی در کشورهای گوناگون معمولاً مشابه الگوی سایر سازمانها در آن کشورهاست. برای مثال، اگر زیرسیستم‌های اجتماعی در کشوری دارای استقلال باشند، نهادهای علمی نیز به همان میزان از استقلال بهره‌می‌برند. به جرأت می‌توان گفت که زیرسیستم‌ها زمانی تغییر می‌کنند که سیستم‌های بزرگ تغییر کنند. البته استقلال مطلق در میان سازمانهای اجتماعی بدون تأثیرپذیری و کنترل نیروهای ذی‌نفع خارجی وجود ندارد. استقلال نهادهای علمی دولتی و غیردولتی همواره با قوانین داخلی و کشوری محدود شده است. به هر حال، استقلال بدین معنی که یک سازمان علمی به طور کامل اداره امور خود را به عهده داشته باشد، وجود ندارد. استقلال همواره با قوانین داخلی، نهادهای کشوری، کمکهای مالی، و از همه مهم‌تر قدرت تأثیرگذاری و کنترل نیروهای خارجی محدود شده است.

قدرت یعنی توانایی ایجاد تغییر در دیگران و تحت تأثیر قرار دادن آنها به نحوی که هرچه بیشتر مطابق با انتظارات رفتار کنند [۷]. تأثیرگذاری، به تشویق داوطلبانه فرد یا سازمان برای انجام فعالیتها گفته می‌شود و این در حالی است که کنترل بیشتر جنبه اجباری و دستوری دارد و اجرا نکردن دستور ممکن است تنبیه یا مجازاتی را در بر داشته باشد. تأثیرگذاری، بر آزادی عمل تکیه دارد؛ در حالی که در کنترل، آزادی عمل محدود شده

است. تأثیرگذاری، بیشتر جنبه پاداش دادن و متقاعد کردن، و کنترل، جنبه اعمال حاکمیت دارد. متخصصان و صاحب‌نظران همواره با اعمال حاکمیت‌های غیرتخصصی و غیرعملی مخالفت کرده‌اند، و نه با تأثیرگذاری. به اعتقاد رابرت بیرن بانوم [۷] "قدرت برای هماهنگی و نظارت بر فعالیتهای افراد و گروهها در دانشگاهها همچون سایر مؤسسات اهمیت دارد.... سازمانهای هنجاری، نظیر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، بر قدرت مرجع^۲ و قدرت تخصصی^۳ تکیه دارند، که کمتر موجب از خودبیگانگی می‌شوند.... معنای این سخن این نیست که هیأت علمی توجهی به پول ندارند، یا اگر حس کنند حقوقشان کافی نیست، چیزی نمی‌گویند. واقعیت این است که اعضای هیأت علمی در بسیاری از دانشگاهها، بیشتر از اصول آزادی علمی و سلوک اخلاقی و ارتباط با همکارانی تأثیر می‌پذیرند که واجد ارزشهایی مشترک با آنان هستند تا افزایش حقوق و تهدیدهای مدیریت.

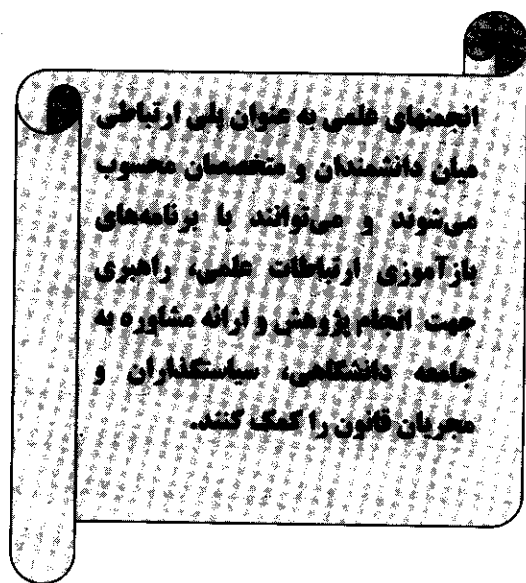


حتی در دانشگاههایی که استقلال دانشگاهی و آزادی علمی در آنها نهادینه شده است، دانشکده‌ها، گروههای آموزشی و اعضای هیأت علمی که هسته‌های اصلی نظام دانشگاهی را تشکیل می‌دهند، به دلیل محدودیتهای سازمانی و فشارهای بیرونی در تصمیم‌گیریها و اجرای مسئولیتهای علمی، مستقل عمل نمی‌کنند. متخصصان برای اینکه بتوانند به دور از فشارهای سیاسی و اجتماعی به امور تخصصی خود بپردازند و استقلال سازمانی و علمی خود را حفظ کنند، انجمنهای علمی با گرایشهای مختلف را ایجاد کردند. انجمنهای تخصصی برای مساعدت به باروری دانشهای تخصصی و حرفه‌ها و همچنین ایجاد شبکه‌های ارتباطات علمی و پژوهشی با هدف مشارکت بیشتر اعضای هیأت علمی و متخصصان در امور علمی ایجاد شده‌اند.

از محیط دانشگاه و بدون مشارکت هیأت علمی گرفته می‌شود. البته در ساختار دانشگاهها تلاش می‌شود که تصمیمات علمی را گروههای آموزشی بگیرند. این گروهها در پاره‌ای از تصمیمات به طور نسبی مستقل عمل می‌کنند. به طور کلی دانشگاهها دارای دو زیرسیستم مدیریت و هیأت علمی هستند. این نهادها به اهمیت مشارکت در امور دانشگاه واقف‌اند. حمایت از مدیریت مشارکتی که در آن هیأت علمی، مسئولیت علمی، مدیریت، مسئولیت پشتیبانی از هیأت علمی را برای تولید دانش (پژوهش)، انتقال دانش (آموزش) و خدمات اجتماعی (کاربردی کردن دانش) به عهده دارند، در دانشگاههای معتبر جهان نهادینه شده است؛ اما حتی در این گونه دانشگاهها نیز فشار به اعضای هیأت علمی و اعمال سیاستهای غیرعلمی بروکراتهای درونی و بیرونی به یک واقعیت تبدیل شده است. در انجمنهای علمی، قدرت و اختیار هیأت مدیره و مسئولان اجرایی ضعیف است و آنان قدرت اندکی در تصمیم‌گیریها دارند. بسیاری از تصمیمات مهم، در مجامع و نشستهای سالانه گرفته می‌شود و اعضای جامعه انجمن می‌توانند به دور از فشارهای سیاسی در تصمیم‌گیریها مشارکت فعال داشته باشند.

استقلال متخصصان و سازمان، تصمیم‌گیریهای غیرمتمرکز، آزادی علمی و مشارکت داوطلبانه و دوری از سیاستهای تعصب‌آمیز، این گونه سازمانها را به جمهوریهای مستقل علمی تبدیل کرده است. متخصصان تا زمانی که استقلال علمی‌شان با قوانین و نظام دیوانسالاری و منابع مالی محدود و محصور و رفتار آنها کنترل می‌شود، علاقه چندانی به مشارکت نشان نمی‌دهند و احساس یأس و ناامیدی در آنها رشد می‌کند. به طور کلی انسان تنوع را دوست دارد. وقتی که نیروهای متخصص از روی اجبار درگیر مسائل روزمره و احیاناً اجرایی می‌شوند، انگیزه خود را از دست می‌دهند و توان نوآوری در آنها تضعیف می‌شود. البته ضعف مشارکت فعال در انجمنهای علمی نیز وجود دارد که این بیشتر به مشکلات فردی و سازمانی برمی‌گردد تا نبود آزادی علمی و استقلال سازمانی.

مشکلات فردی. این موانع، شامل طیف وسیعی از مشکلات اقتصادی و تعهدات کاری می‌شود که هر یک به نوبه خود تأثیر



مشارکت متخصصان

یکی از علل تأسیس انجمنهای علمی، لزوم تصمیم‌گیری و مدیریت مشارکتی است. مشارکت متخصصان در اداره امور در مقام نظر آسان می‌نماید؛ ولی در عرصه عمل دشوار است. موانع این اقدام اغلب محصول ساختارهای بروکراتیک و گرایش به فردگرایی به جای گروه‌گرایی است. در نظامهایی که با دیوانسالاری دولتی اداره می‌شوند، بسیاری از تصمیمات، خارج

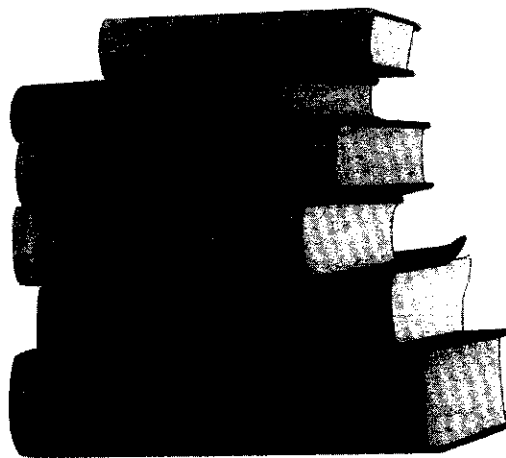
رسالت انجمنهای علمی

رسالت انجمنهای علمی، شامل بازآموزی، ارتباطات علمی، پژوهش و مشاوره است. دانشجویان، اصول دانش تخصصی را در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی فرا می‌گیرند و پس از احراز شرایط، در مقام هیأت علمی به تحقیق و آموزش می‌پردازند؛ اما دانش با توجه به تغییر و تحولات محیطی و نیازهای بشری همواره در حال رشد و توسعه است. این موضوع، انجمنهای علمی را بر آن داشته است که به دنبال ارتقای توانمندیهای اعضایشان باشند. ارتقای توانمندیها، از وظایف انجمنها محسوب می‌شود. اکثر انجمنهای علمی، با برگزاری کارگاههای آموزشی و سمینارها، چاپ نشریات و طراحی home page به ارتقای علمی اعضای خود مدد می‌رسانند. به‌طور کلی ارتقای توانمندیهای اعضای انجمن، در دو محور تخصصی و مدیریتی انجام می‌شود. در محورهای تخصصی، متخصصان با ارائه نتایج یافته‌های پژوهشی که در انجمن یا خارج از انجمن انجام شده، به رشد علمی اعضا و سایر علاقه‌مندان کمک می‌کنند. یکی از دستاوردهای این گونه فعالیتها، ایجاد شبکه‌های بین عقلی است. اعضای انجمن، دارای ویژگیها و توانمندیهای خاص خود هستند، اگرچه ممکن است ایشان دارای تخصصها و علاقه‌مندیهای مشابهی باشند، اما هر یک به این علاقه‌مندیها از یک منظر می‌نگرند. بنابراین، ایجاد شبکه‌های بین عقلی و ارتباطات علمی به منظور بررسی موضوعات و بحث و گفت‌وگو با همکاران، حائز اهمیت است. برای اینکه چنین شبکه‌هایی ایجاد و حفظ شود، بیش از هر چیز به ایجاد ارتباط میان همکاران و دنبال کردن فعالیتهای جدید نیاز است. برگزاری همایشها، کارگاههای آموزشی و انتشار فصلنامه‌های علمی و خبرنامه، فرصتهای مناسبی را برای تعامل میان متخصصان فراهم می‌کند.

ارتقای تواناییهای رهبری و مدیریت فقط ویژه مقامها و مسئولان انجمن و سازمانهای علمی نیست؛ بلکه باید در سطوح مختلف سازمانهای علمی وجود داشته باشد. انجمنها همچنین در شناسایی تواناییهای رهبری و مدیریتی ایفای نقش می‌کنند. به هر حال، مشارکت در این گونه فعالیتها می‌تواند در ارتقای

زیادی بر روی مشارکت در فعالیتهای داوطلبانه دارند. وقت، یک کالای سرمایه‌ای محسوب می‌شود و تا زمانی که متخصصان برای گذراندن امور زندگی از کمبود وقت رنج می‌برند، نباید از ایشان انتظار داشت که در فعالیتهای داوطلبانه مشارکت فعالی داشته باشند. به طور کلی میزان مشارکت به عوامل مثبت و منفی مؤثر بر رفتار افراد بستگی دارد. برخی از این عوامل، اجتماعی (بیرونی) و برخی دیگر روان‌شناختی (درونی) هستند. از عوامل مثبت در مشارکت می‌توان از ارتقای علمی، تحولات فناوری، بقا و تلاشهای دولت برای ایجاد تحول در علم و ارتقای جایگاه متخصصان نام برد. در مقابل این عوامل، محدودیت‌های فعالیتهای علمی و جایگاه ضعیف انجمنهای علمی است. به هر حال، تعامل منطقی میان متغیرهای روان‌شناختی و محیطی، میزان مشارکت افراد در سازمانها را تعیین می‌کند.

مشکلات سازمانی. خدمات انجمنهای علمی می‌تواند در جذب افراد مؤثر واقع شود. برای مثال، یکی از ملزومات موفقیت انجمنهای علمی، ارائه خدمات آموزشی از طریق برگزاری کارگاههای آموزشی، خبرنامه، فصلنامه، کتاب و سمینارهای علمی است. بسیاری از متخصصان، از خدمات ملی و بین‌المللی و حتی از موجودیت این انجمنها در رشته‌های تخصصی‌شان آگاهی ندارند. شناسایی مخاطبان و ایجاد ارتباط با آنها، به خصوص آنهایی که در مناطق دوردست و محروم زندگی می‌کنند، برای افزایش مشارکت حائز اهمیت است.



برنامه‌های بازآموزی، ارتباطات علمی، راهبری جهت انجام پژوهش و ارائه مشاوره به جامعه دانشگاهی، سیاست‌گذاران و مجریان قانون را کمک کنند.

یادداشتها

- ۱- Epistemology philosophy
- ۲- Referent Power
- ۳- Expert Power

منابع و مأخذ

[1] Brubacher. J.S on the Philosophy of Higher Education. San Francisco: Jossey-Bass, 1983.

[۲] آراسته، حمیدرضا. کارآفرینی و آموزش عالی: اصول و منابع. فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت، شماره ۲۹، ۱۳۸۲.

[۳]. آراسته، حمیدرضا. آزادی علمی. دایره‌المعارف آموزش عالی. بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، ۱۳۸۳ (در دست چاپ).

[4] Gais, T.; Lawrence, C. The Nelson A. Rockefeller Institute of Government: From State to National Focus on Political and Policy Studies. New Directions for Higher Education; 112, 2000.

[5]. Moore, K. M. The Challenge of Change in the Information Age: Three Forces Spurring University Transformation. Higher Education in Europe; 23, (2) 1998.

[6]. Trow, M. Governance in the University of California: The Transformation of Politics into Administration. Higher Education Policy; 11, (2) 1998.

[۷] بیدن باثوم، رابرت. دانشگاهها چگونه کار می‌کنند. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. مترجم: آراسته، حمیدرضا. ۱۳۸۲.

مهارتهایی مانند کار گروهی، مسئله‌گشایی، سازگاری با روشها و دیدگاههای مختلف، بازنگری رفتاری، تصمیم‌گیری، اعتماد به نفس، مذاکره، تأثیرگذاری و ایجاد انگیزه کمک کند. برگزاری کارگاهها جهت آموزش مهارتهای مدیریتی برای مدیران گروهها در گروههای علمی در انجمن، ارائه مشاوره به مدیران جوان از سوی مدیران با تجربه و ایجاد شبکه‌ای متشکل از مدیران گروهها، از جمله فعالیتهایی هستند که موجبات ارتقای توانمندیهای مدیریتی متخصصان را فراهم می‌سازند.

یکی دیگر از خدمات انجمنهای علمی، ارائه مشاوره است. این فعالیت، محصول پژوهشها و تجربیات تخصصی انجمنهاست. برای مثال، با اینکه انجمنهای علمی مسئولیت تدوین برنامه‌های درسی را بر عهده ندارند، اما می‌توانند در مقام مشاور در این گونه امور کمک کنند. شوراها می‌توانند در این منظور در ستاد و دانشگاهها فعالیت می‌کنند، باید با دقت به نظریات و پیشنهادها آنها گوش دهند. برخی از انجمنها هرچند سال یک بار با بهره‌برداری از استانداردهای تخصصی، به اعتبارسنجی رشته‌های تخصصی در گروههای آموزشی دانشگاهها می‌پردازند. این شاخصها شامل نسبت مرتبه‌های علمی به دانشجویان، نسبت انتشارات معتبر به هیأت علمی، رضایت دانشجویان و دانش‌آموختگان، کیفیت آموزش و پژوهش، نسبت استاد و دانشجو، دسترسی به فناوریهای نو، کیفیت کتابخانه،

امکانات و تجهیزات و فضای آموزشی می‌شود. معمولاً گروههای آموزشی با همکاری انجمنهای علمی تلاش می‌کنند که با برطرف کردن کاستیها اعتبار خود را در میان سایر گروههای آموزشی ارتقا بخشند. افزون بر این مشارکت در تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، حضور در مجلس و هیأت دولت و سایر مجامع و اظهار نظر درباره موضوعات علمی نیز حائز اهمیت است.

فلسفه ایجاد انجمنهای علمی در تخصص‌گرایی، وفاداری به رشته تحصیلی، و پاسداری از صیانت آزادی علمی، استقلال سازمانی و خرد جمعی متخصصان به ویژه اعضای هیأت علمی ریشه دارد. انجمنهای علمی به عنوان پلی ارتباطی میان دانشمندان و متخصصان محسوب می‌شوند و می‌توانند با